

تاریخ تمدن اسلامی

رساله تاریخ تمدن اسلامی نوشته مستشرق معروف روسی واسیلی ولادمیروویچ بار تولد در تاریخ ۱۹۱۸ میلادی در پتروگراد بزبان روسی به چاپ رسیده و نظر با اهمیت مطالب آن از نقطه نظر تاریخ تمدن اسلامی بزبانهای مختلف عالم ترجمه گردیده است از آن جمله در سال ۱۹۲۲ میلادی جمال ولیدی آنرا بزبان تاتار ترجمه کرده و در سال ۱۹۲۷ میلادی غازی یونس بزبان ازبک در آورده و پس از آن بزبانهای اردو و زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است و فوآد کوپرلی استاد دانشگاه آنکارا با حواشی و اضافاتی در سال ۱۹۴۰ میلادی آنرا بزبان ترکی ترجمه و در استانبول به چاپ رسانیده و در مجله عالم اسلامی هم بزبان فرانسه نشر یافته است . از آنجائیکه این کتاب در تأثیر تمدن ایران بعالم اسلامی حائز اهمیتی مخصوص است دریغ بود که فارسی زبانان از احتوای مطالب مندرج در آن بی بهره باشند لذا مبادرت بترجمه آن از متن مجله عالم اسلامی شد تا فواید آن عام و یادگاری از این گمنام باشد.

(مختصر شرح حال و مهمترین آثار بار تولد)

استاد بار تولد یکی از فحول مستشرقین روس بود که در تاریخ اسلامی و آسیای میانه تا کنون کسی بیایه فضل او نرسید. تولد استاد بار تولد در پانزدهم ماه نوامبر ۱۸۶۹ میلادی در شهر سن پترزبورگ اتفاق افتاده و در سال ۱۸۹۱ تحصیلات خود را در دانشکده زبانهای شرقی زبورک بپایان رسانیده و در سال ۱۸۹۲ با آلمان مسافرت کرده در شهر هاله از درس پروفیسور اگوست مولر و سپس در شهر استراسبورگ از مجالس درس مستشرق معروف آلمانی پروفیسور تولد که استفاده کرده است در سالهای ۱۸۹۳ - ۱۸۹۴ میلادی مسافرتی جهت تحقیقات علمی بترکستان کرده و پس از آن چندین دفعه این مسافرت خود را تکرار نموده است که آخرین دفعه در سال ۱۹۲۵ در آن قسمتها مسافرت کرده است. استاد فقید در سال ۱۸۹۶ بسمت نیابت استادی در دانشگاه پترزبورگ تاریخ مشرق زمین را تدریس مینموده است. در سال ۱۹۰۰ تز دکتری خود را بعنوان (ترکستان تا استیلای مغول) تهیه نموده و بدرجه دکتری نائل گردیده است. در سال ۱۹۰۱ میلادی بسمت استادی دانشگاه پترزبورگ تعیین شده و در سال ۱۹۱۰ بعضویت آکادمی علوم روسی انتخاب و در سال ۱۸۱۳ در زمره اعضای پیوسته آکادمی مزبور داخل گردیده است.

پس از جنگ بین الملل اول برای ایراد خطابه و سخنرانیهای علمی بشهرهای مسکو و تاشکند و باکو راجع بتاریخ اسلام دعوت شده و این دعوتها را پذیرفته است بالاخره در سال ۱۹۲۶ از طرف مؤسسه ترکیات دارالفنون اسلامبول برای تدریس تاریخ آسیای وسطی دعوت شده و این دعوت را پذیرفته و مدت یکسال در آنجا راجع بدین موضوع

داشته است و بعد از سی و پنج سال خدمت به عالم شرق و تاریخ اسلام در ۱۹ ماه اوت ۱۹۳۰ میلادی در شهر لنین گراد بدرود زندگانی گفته است.

مهم ترین آثار بار تولد :

- ۱- راجع بعیسویان آسیای وسطی از نشریات جمعیت باستانشناسی روسی شعبه شرق شماره ۶ این اثر بزبانهای آلمانی و ترکی ترجمه شده است.
- ۲- راپورت های مسافرت های علمی در آسیای مرکزی در سال ۱۸۹۳ در پترزبورگ و سپس در سال ۱۸۹۵ جزو نوشتجات آکادمی علوم بزبان روسی انتشار یافته است.
- ۳- ترکستان تا استیلای مغول که دو دفعه یکی در سال ۱۸۹۸ و دیگری در سال ۱۹۰۰ بزبان روسی در پترزبورگ چاپ شده و در سال ۱۹۲۸ بانگلیسی ترجمه و طبع گردیده.
- ۴- معلومات راجع بدریاچه آرال و مصب رود آمودریا؛ سال ۱۹۰۲ در تاشکند بزبان روسی و سپس در سال ۱۹۱۰ بزبان آلمانی ترجمه و منتشر گردید.
- ۵- جغرافیای تاریخی ایران، این کتاب بسال ۱۹۰۳ در پترزبورگ چاپ و بوسیله حمزه سردادور بفارسی ترجمه و در تهران طبع شد.
- ۶- کتیبه فارسی تاریخی دیوار مسجد منوچهر، که در پترزبورگ نشر یافته است.
- ۷- تاریخ علوم شرق در اروپا و روسیه، که بسال ۱۹۱۱ در پترزبورگ چاپ و در سال ۱۹۱۳ با آلمانی ترجمه گردید.
- ۸- خلیفه و سلطان، بزبان روسی چاپ شده است.
- ۹- الخ بیك و دوره او، بوسیله آکادمی علوم روسی در سال ۱۹۱۸ در پترزبورگ منتشر گردید. این کتاب بزبان فارسی ترجمه و در تبریز

- ۱۰- تاریخ اسلام ، این کتاب بزبان روسی چاپ شده است .
 - ۱۱- عالم اسلام ، بسال ۱۹۲۲ در پترزبورگ منتشر گردید .
 - ۱۲- مجموعه سخنرانیهای راجع بتاریخ آسیای وسطی در سال ۱۹۲۷ در اسلامبول بزبان ترکی طبع گردید .
 - ۱۳- موقعیت سواحل بحر خزر در تاریخ اسلام ، بسال ۱۹۲۵ در بادکوبه بزبان روسی چاپ شد .
 - ۱۴- کتاب ایران، در سال ۱۹۲۸ در لنین گراد بچاپ رسیده است .
- تعداد تألیفات بارتولد از بزرگ و کوچک زیاده از سیصد رساله میباشد و مقالات او علاوه بر اینکه در مجلات و مجلات روسی چاپ شده در مجلات علمی و تاریخی انگلستان و آلمان و فرانسه نیز نشر یافته که اهم آنها عبارتند از: حکومت روحانی و جسمانی در ممالك اسلامی ، حرکات دینی در قرن دهم ، کارل کبیر و هارون الرشید ، مسئله هلال و نشان اسلام ، قرآن و دریا تحلیل بحر الاسرار فی مناقب الانخيار محمود بن ولی ، حافظ ابرو و تصنیات او ، عتائق ترکستان قدیم ، جغرافیای ابن سعید ، مورخ موسوی و تاریخ خیرات ، مسلمیه کذاب ، اسلام مروانی ها و بالآخره رساله حاضر که بنام (تاریخ تمدن اسلامی) میباشد که بسال ۱۹۱۸ بزبان روسی و سپس بزبانهای انگلیسی و فرانسوی در مجلات جمعیت آسیائی همایونی و مجله عالم اسلامی اشاعه یافته است . من الله توفیق و علیه التکلان .

مقدمه

تمدن اسلام یا عرب - تمدن ملل شرقی در قرون وسطی بنام تمدن عرب یا اسلام خوانده میشد با وجود اینکه بیشتر رهبران این تمدن از مردم غیر تازی بودند که دیانت اسلام را قبول کرده از آنجائیکه زبان رسمی آنان عربی بود بنابراین بنام فرهنگ و تمدن اسلام اشتهار یافتند. استعمال کلمه مشرق در تاریخ تمدن بمعنای جغرافیائی آن موافق نیست زیرا لازم بود که کشور روسیه و آفریقای شمالی را که جزئی از عالم اسلام و تعدادی بالنسبه زیاد از پیروان این کیش در آن سکونت دارند جزء تمدن اسلامی بنامیم کلمه مشرق در مقابل کلمه مغرب به سرزمینهای متمدن شرق امروزی در دوران امپراطوری روم شروع باستعمال شده است در نظر علمای جغرافی یونان دنیا عبارت بود از : قسمت متمدن جنوب گرم و قسمت شمالی سرد مسکون از وحشیان ایشان قاره اروپا را سراسر در شمال آسیا و اروپای جنوبی امروزی جامیدادند. بنظر ارسطو، همه ساکنین دنیا غیر از یونان عبارت بودند از : اقوام وحشی و جنگجوی شمالی که از طرز اداره حکومت بیخبر بودند و ملل آسیائی که وحشی و رزمجوی نبوده و تمدن داشته و از طرز اداره حکومت و سیاست مدن اطلاعات بالنسبه کافی داشتند و نسبت بساکنین سرزمین یونان اینطور اظهار عقیده مینمودند که اقلیمشان هم برای پیشرفت تمدن و، هم به جنگجویی، مساعد بوده و خدا آنان

را برای حکمرانی دنیا آفریده است و طرز فکر و اداره حکومتشان را برتر از سایر ملل میدانسته اند و روی این نظریه ارسطو معتقد بر این بودند که فتوحات اسکندر مقدونی در شرق و اشاعه تمدن یونان در بین اقوام شکست خورده و سرزمینهای مفتوحه يك قسمت از این نظریه بوده است. ولی با همه تلاشی که فاتحان یونانی در گردن نهادن ملل شرق بتمدن یونان معمول داشته بودند باز مشاهده مینمائیم که با همه پیشوائی یونانیان باز هم اداره امور حکمرانان فاتح در دست آسیائیهای مغلوب بوده و این امر با وجود از دست دادن حاکمیت سیاسی خود بقدری منیع و ریشه دار بود که توانستند ملل یونان را تحت الشعاع قرار داده و باروی کار آوردن دولت اشکانی تفوق تمدن خود را نگهداری بلکه گسترش دهند. نه تنها نظریه ارسطو در سرزمین ایران ثابت نماند بلکه در مصر، هم این برهان بافتح آن مملکت بدست رومیان از ثبوت خویش عدول نمود. استرابون عالم جغرافیای قرن اول پیش از میلاد مساعد بودن زمینه اروپا را بانکشاف و پیشرفت تمدن از نقطه نظر فیزیکی و اقلیمی بیان میکند و تفوق موقعیت جغرافیائی ایتالیا را ادعا کرده و این شبه جزیره را واسطه تأمین امپراطوری دنیا معرفی مینماید. چنانکه یونانیان در قسمت صنعت و علوم فلسفی تری خود را نشان داده اند، رومیها نیز در علم حقوق و روش پیکار تفوق اروپائیان را به اقوام آسیائی آن دوره عرضه داشته اند بالاخره در این دوره فرق میان غرب واقع در تحت تأثیر روم و مشرق جا گرفته در زیر تأثیر تمدن یونان به دو منطقه تقسیم و مشخص بوده است و هر رومی با سواد مجبور بدانستن هر دو زبان لاتینی و یونانی بود تا از سیاست و علوم یونان بهره مند باشد و همچنین رومیها بتفوق خویش در کشورهای شرقی یعنی قلمرو حکومت اشکانی اعتقادی راسخ داشته و استرابون در جغرافیای خود مینویسد که (دولت پارت بزودی بدست رومیها خواهد افتاد) ولی

تا کیتوس که صدسال پس از استرابون میزیسته در تألیف خود بر خلاف نظریه استرابون شرق را بچشم دشمن خطرناک نگاه نمیکرد و خطری را که او متوجه دولت روم میدانست از ژرمنهای غربی میدید و میگفت: (آزادی پرستی ژرمنها از امپراطوری اشکانیان خطرناکتر است) با همه این تفصیل و نظریات علمای رومی باز مشاهده میکنیم که پیش از تجاوز ژرمنها به خاک روم رزمجویان تازه نفس دولت ساسانی که جانشین اشکانیان شده بودند نخستین ملتی هستند که رومیها را از سواحل بحر خزر بیرون رانده و بداخله خاک و مستملکات رومی وارد و سرزمینهای را ازید تصرف آنان خارج و مالک غنائم جنگی بیشماری شدند و راه تجارتی بری و بحری چین و هندوستان را که برای دنیای متمدن غرب اهمیتی بزرگ داشت در دست فرماندهان ساسانی افتاد و تفوق تمدن از اروپا با آسیای نزدیک آمده و این مسئله در دوره اسلامی بنهایت درجه وضوح قیافه خود را آشکار ساخت. «عیسویت» اسلام، هو ما نیزم افکار اروپائیان را در باره شرق مجدداً تغییر داد.

چنانکه فرا گرفتن یکی از زبانهای شرقی برای هر اروپائی با سواد لازم بود. با اینکه در کتب مقدس شرواحی در باب تمدن کهن ملل شرقی از قبیل آشور، بابل، ایران، یونان، مقدونیه یاد شده است ولی اروپائیان شرق را در ازمنه قدیمه بنظر تمدنی که از تأثیر تمدن روم و یونان بوجود آمده نگاه میکردند در قرون وسطی بچشم تمدنی که دور از این تمدنها بود میدیدند. بعقیده صاحبان این افکار ازمنه قدیمه و تاریخ دنیا از ابتدای تاریخ یونان شروع میشد. حتی پس از حفاریات و کشفیات علمای باستانشناسی قرن نوزدهم باز بعضی علمای زبان شناسی یونان (فیلو لژی کلاسیک) نمیخواستند قبول کنند که تاریخ یونان در حقیقت عبارت از

ادامه تاریخ شرق میباشد.

شرق نزدیک و موقعیت آن: - مورخین معاصر را عقیده بر آنست که پیش از تاریخ یونان تمدنهای مختلفی پشت سرهم در آسیای نزدیک و مصر باشکال گوناگون آمده و گذشته است شاید این تمدنها، مانند تمدن یونانی از ذکای يك ملت بوجود نیامده باشد بلکه از مناسبات و روابط بین اقوام که روز بروز دامنه تفوق خود را گسترش میداد ایجاد شده است بدین معنی مورخین معاصر شرق نزدیک و تمدن اقوام ساکنه در آن را از جبل الطارق و سواحل افریقای شمالی تا سواحل اقیانوس هند و فلات ایران تا کوههای قفقاز بحساب می آورده اند در صورتیکه تمدن شرق اختصاص باین سرزمینها نداشته و شامل چین و هند هم بوده است و روی این اصل علمای اروپا تمدن این دو سرزمین را بنام تمدن شرق اقصی نامگذاری نموده اند. بعضی از علما نیز با ثبات اینکه تمدن شرق دور تمدنی است که از دیگر تمدن ها دور بوده و خود بخود پدید آمده است میکوشند و از آنجائیکه اساس تمدن شرق نزدیک و اروپا را یکی میدانند، تحقیق تاریخ شرق اقصی را برای بدست آوردن منابعی که بتکمیل نتایج تحقیق تاریخ باقوانینی که بر روی اساس تاریخ اروپا تشکیل شده است لازم می شمارند. اما در این اواخر تاثیر تمدن شرق نزدیک بر تمدن، هند و قوق چین در تحت تاثیر تمدن هند اثبات شده است. با اینهمه از آنجائیکه روابط شرق اقصی با اروپا کم تر از روابط شرق ادنی بود میتوان تمدن آنرا تمدن جداگانه شمرد، با وجود تاثیرات خارجی و تحولات واقع در چین و هندوستان اوضاع تمدنی در آنجا بدون انقطاع دوام داشته است ولی در شرق نزدیک نیز تنها اروپائیان موفق بخواندن خطوط هیرو گلیف مصر و خطوط میخی ایران باستانی شدند.

تأثیر روابط بین المللی در پیشرفت تمدن: - برتری تمدن غرب

نسبت شرق اقصی را میتوان با تحولات زیادی که این قسمت گذرانیده

است اثبات کرد راههای تجارتی از دست اهای شرق نزدیک بدست اروپائیان افتاد و از دوره فنیقی ها تا امروز مردم غرب این راهها را در دست دارند اقدام اهالی چین و هند برای بدست گرفتن این راهها و گذاشتن اهالی مغرب را در زیر نفوذ اقتصادی خود هیچگاه در تاریخ دیده نشده است. امروز میتوان بشکل حقیقت ثابت شده گفت که بزرگترین عامل ترقی روابط مابین اقوام مختلفه است. ترقی ملل مختلف بسته به خصوصیت نژادی، اعتقادات دینی و اوضاع طبیعی مملکت مسکونه شان نبوده بلکه سبب پیشرفتشان در دوره های مختلف تاریخی خود بسته بموقعیت شان است که در روابط مابین اقوام دیگر داشته اند.

اشخاص منسوب به نژاد هندو اروپا بر فرض هر قدر نسبت بسایر نژادها برتری داشته باشند اگر مثل زندگی لیتوانی ها در قرن سیزدهم و مثل کافرهای هندوستان در قرن نوزدهم زندگی میکردند هنوز بحال وحشی باقی بودند و بر فرض هر قدر عیسویان بمسلمین مزیت داشته باشند تا مدتی که تجارت دنیا در دست مسلمانان بود تمدن دنیای اسلامی به تمدن عیسوی بالمره برتری داشت. هر قدر موقعیت جغرافیائی اروپا نسبت بسایر نقاط بهتر و اعلی باشد برتری تمدن اروپا از موقعی شروع میشود که مقام اول را از حیث روابط مدنی و تجارتی بدست گرفته است و اوضاع امروزی دنیای اسلام نیز نه اینکه بسته بخصوصیات نژادی بعضی از مسلمین و یا اعتقادات اسلامی است بلکه در نتیجه عواملی بظهور رسیده است که در فوق ذکر کردیم.

عیسویت و روابط آن با تمدن قدیم :- پروفیسور تور ایف مورخ روسی مینویسد، با ظهور دین مسیح نظریه بخصوصی درباره دنیا بظهور رسیده است. این نظریه عبارت مجادله آمیز مابین روم و یونان و شرق نزدیک بت پرست است که هنوز این تجددمبنی بر اساس دین عیسوی در

شرق بهمه پیشرفت نکرده بود که دین نوین رقیب آن بظهور رسید. مجادله دین مسیح بابت پرستی تنها بقسمت دینی منحصر نشده بلکه مبلغین دین عیسوی همه صنایع و علوم راجع به اعتقادات بت پرستی را نیز مکروه شمرده اند. عیسویان در قرن دهم میلادی معتقد یقیامت بوده یعنی عقیده بخاتمه یافتن بزودی دنیا داشته و در کارهای دولتی و مادی و پیشرفت تمدن فکری قیمتی قائل نبودند. هر چند که کلیسا ترقی علم و صنعت را در میان طبقه اول سبب شد ولی باز از طرف دیگر به تربیت کردن و پیشرفت دادن طبقه سوم مردم خدمت مهمی نمود.

کلیسا کتب مقدسی را در میان اقوام و ملت های مختلف بزبان های ملی هر قوم که هر کس را فهمیدن آن میسر بود ترجمه و پخش کرد. از این رو ادبیات ملی که پیش از آن تنها به بعضی جاها مخصوص بود وسعت پیدا کرد. در ولایت آسیائی و مصر نسبت بسایر نقاط امپراطوری روم شرایط مساعد تر بود (مخصوصاً پس از سقوط دولت روم غربی بدست وحشیان ژرمن و استیلای اسلاوها در قسمت قسطنطنیه و شبه جزیره بالکان که زندگانی شهری را ضربه سختی وارد آمد) در قسمت آسیای نزدیک و مصر در دوره تمدن هلنیسم شهرهای بزرگی بوجود آمده بود که از حیث آبادی و بزرگگی گوی سبقت را از سایر شهرهای قدیمی ربوده بودند.

این شهرها مانند اسکندریه در مصر و انطاکیه در سوریه و شهر سلفکه در ساحل دجله از نقطه نظر آبادی و بزرگی در درجه دوم پس از روم واقع میشدند مبلغین مسیحی در میان مردم طبقه سوم شهرهای مذکور شروع به تبلیغات مذهبی کردند. گذشته از تألیف کتب دینی بزبان بین المللی یونان آن زمان آن کتابها را بزبان های محلی مخصوصاً سریانی و قبطی ترجمه و آثار تازه ای بمیان آوردند. بعلاوه ادبیات و کتب عیسوی در حومه و

خارج امپراطوری روم نیز منتشر شد (در آفریقا بزبان نوبی و حبشی و در آسیا بزبان های ارمنی و گرجی).

از کتیبه های باقیمانده از قرن ششم میلادی مستفاد میشود که زبان عربی نیز مانند دیگر زبانهای کلیسا بکار رفته است. بعد از انتشار عیسویت ارتباط تامه با اختلافات سیاسی دو دولت بزرگ ایران و روم پیدا شد. این اختلاف چون اغلب مابین رود دجله و فرات واقع میشد حکام ملوک الطوائف محلی نیز باغلبه کردن هر یک از طرفین گاهی بطرف ایران و گاهی بطرف دولت روم اظهار تمایل میکردند. شهر ادس (اورتای امروزی) واقع در کنار راهی که ساحل شرقی فرات را بسوریه مربوط میسازد در تاریخ انتشار مسیحیت اهمیت خاصی دارد.

آبگار نهم (۱۷۹-۲۱۶ میلادی) نام اولین حکمداری است که بدین عیسوی گرویده که منقبه های او نشان میدهد که با حضرت عیسی معاصر بوده و با وی مکاتبه دینی نیز داشته است. شهر ادس کهن ترین کانون تمدن سریانی و منشأ خط سریانی بود. مذهبی که بنام مدرسه دین شناسی ایران نامیده میشود و در قرن پنجم میلادی در این شهر بوجود آمده و با انتشار عیسویت در ایران تأثیر مهمی داشته است.

بردسان نویسنده سریانی در بین سالهای (۱۵۵-۲۲۵ میلادی) از این شهر برخاسته است که نخست بت پرست بوده و سپس بمذهب عیسوی گرویده و مجدداً بدین اولی خود بت پرستی عودت کرده است این شخص یکی از اولین نمایندگان مذهب گنوسیسم میباشد که پیروان این مذهب برای تألیف مذهب خود دین عیسوی را در زیر تأثیر فلسفه و دین پاگانیسم گذاشته و دشمن حقیقی عهد عتیق بوده اند.

این مذهب به دین مانی که سه قرن بعد از آن در ایران ظهور کرد بدون هیچگونه شك و شبهه تأثیری داشته است. مجادلات علیه گنوسیسم

و پانگانیسم دین فلسفی و بت پرستی مبلغین عیسوی را به استفاده کردن از دلائل فلسفی مجبور کرد. از این رو مذاهب گوناگون فلسفی بظهور آمد که بزرگترین این مذاهب در دوشهر اسکندریه و انطاکیه بود اولی عقاید خود را به افلاطون و دوم - سی به ارسطو استناد میکردند. در مدت چهار قرن اختلافات مختلفه در داخل مذهب مسیح بظهور رسید. در میان عیسویان مشرق در قرن پنجم میلادی یعنی بیش از اروپا اختلافات بظهور رسید و کلیسا بدو قسمت مجزا گردید. دسته ای خود را از مذهب اصلی و رسمی که ارتودوکس نامیده میشد کناره کشیدند. مخالفین ایشان این کلمه را از کلمه (ملك) بمعنی پادشاه نسبت داده و پیروان این مذهب را ملکی مینامیدند و بدین واسطه تدین پادشاه (امپراطور) را بدین مذهب می فهمانند یعقوبیان نیز که به الوهیت و انسانیت حضرت عیسی فرقی نمی توانستند قائل شوند و همچنین نسطوریان که حضرت مریم را بدختری خدا استناد میکردند از کلیسای مرکزی جدا گردیدند. نسطوریان از روی تعقیبات دولت در بیزانس تاب مقاومت نیاورده و بایران که تا این اوقات عیسویان را در آنجا مضیقه ای نبود فرار کردند. در سال ۴۱۰ در شهر سلفکه موفق بترتیب انجمنی گردیدند و در مجلس دینی منعقد در سال ۴۸۳ دیگر عیسویان ایرانی نیز عقاید نسطوری را پذیرفتند. در سال ۴۸۹ عیسویان شهر ادس نیز بایران فرار کردند مدرسه ایرانی ادس بمناسبت شیوع دادن افکار نسطوری از طرف امپراطور ذنوبسته شده بود، دولت ایران ساسانی از قرن پنجم میلادی ببعد پناهگاه عیسویان فراری بیزانس و تمام عناصر متمدن مجوسیها، یهودیها و متعرضین عیسویان بود. پیش از آن نیز ساسانیان ساکنین سوریها را بزور بایران کشانیده بودند. نخست اهالی شهر انطاکیه و بعضی از دیگر شهرهای سوریه در زمان پادشاهی شاهپور یکم که امپراطور روم و الرین را اسیر کرده بود (۲۴۱-۲۷۲)

بایران برده شده بودند . شاپور اسیران سوری را در شهر جندی شاپور بنا کرده خویش در خوزستان مقیم ساخت . این شهر از حیث بزرگی و آبادی دومین شهر دوره ساسانی بود . خسرو یکم (۵۳۱-۵۷۹ میلادی) مدرسه پزشکی یونانی را در این شهر بوجود آورد که این مدرسه بعدها به دانشمندان عرب کمک بزرگی کرده است . مقصود از کوچ دادن اهالی سوریه بایران رواج و پیشرفت دادن هنر و صنعت بیاری ایشان مخصوصاً صنعت بافندگی در ایران بود گذشته از این ساسانیان در ساختمان استحکام و تنظیم امور آبیاری از این اسیران استفاده کردند .

امپراطور روم شرقی - در قرنهای پنجم تا هفتم میلادی پس

و دولت ساسانی از مقایسه دو دولت ایران و روم نتایج ذیل را میتوان بدست آورد ، تمدن بیزانس بر تمدن ایران برتری داشت اما ایرانیان بزودی پیشرفت و ترقی کردند . این ترقی گامی بتمامی موافق مقاصد حکمداران نبود .

پیشرفت ساسانیان در مدت سه قرن مربوط بعکس العمل های دینی و سیاسی بود مذهب تازه عیسوی که زبان کلیسا و زبان عبادات آن زبان فارسی بود بوجود آمد که سبب انتشار عیسویت در چین و آسیای مرکزی شده و در آینده ایران تأثیر بزرگی نموده است .

اسامی روزهای هفته که بتوسط اعراب بلکه بواسطه عیسویان ایران در زبان ایرانی داخل گشته است حالا نیز در زبان فارسی ایرانیان مسلمان استعمال میگردد ، طبقه بندی مردم در پایان قرن چهارم میلادی بکلی عوض شده کشاورزان و هنرپیشگان و بازرگانان یکی شدند و بجای آن طبقه سوم دیگری که عبارت از کارمندان جسمانی باشد بوجود آمد و رؤسای ایشان بارو سای روحانیون و سران ارتش در پایتخت جایگیر

میان طبقات مردم جملات تضییق زیاد گشت، آخر کار مذهب اشتراکی مزدك که تنها تصرف خصوصی ملکی و مالی را جایز نمیدانست حتی خصوصیت خانوادگی را نیز قائل نبود پیدا شد. بطور کلی قرن ششم که قرن انحطاط تمدن بیزانس شمرده میشود و قرن پیشرفت و آشنائی ایران با ادبیات و علوم خارجی محسوب میگردد.

در این قرن حکایت‌های کليلة و دمنه از هندوستان بایران آمده و بفارسی ترجمه و بدین وسیله بتمام زبانهای دنیا پخش گردیده است. تحقیق فلسفه یونانی نیز در این دوره در ایران آغاز گردیده است. فارس پاول نام اثر خود را (راجع ب تحقیق درباره ارسطو) که بزبان سریانی نوشته بود به خسرو یکم تقدیم کرده است که نویسنده در این اثر تفوق علم را بر مذهب اثبات میکند نظریه او علم را از تردد و شك آزادی بخشیده و بازیگانگی را میان بشر تولید میکند که بدین طریق دین برخلاف علم از فکرهای غیر مفهوم بحث نموده و میان مردم نفاق بظهور میرساند. هنر پیشگی و بازرگانی در قرن هفتم میلادی در دوره ساسانی پیش از هجوم اعراب به نهایت درجه ترقی نموده بود. انتشار ادبیات مذهب عیسوی و مانوی در زبان ایرانی شرقی (سغد) و ترکی و چینی از این دوره آغاز میشود که پخش شدن تبلیغات شدید دینی را از ایران به این حوالی نشان میدهد.

این نکته هم ناگفته نماند که مبلغین مذهبی در این دوره از عقب بازرگانان رفته اند و در همان دوره کولونیهای عیسوی و پارسی را در هندوستان نیز بوجود آورده اند. پیش از فتوحات اعراب مدت زیادی مابین دولت ایران و روم (بیزانس) جنگهای متعددی ادامه داشته است (۶۰۴ - ۶۳۰) تمام ولایات آسیائی دولت روم و مصر در مدت خیلی کمی بدست دولت ایران در آمده بود ولی این ایالات در شهر اسکندریه واقع در

بود ساکن بود شهر انطاکیه در نتیجه زلزله بزرگ سال ۵۲۶ میلادی و هجوم ایرانی‌ها در سال ۵۴۰ از قرن ششم بعد رو با انحطاط گذاشته بود هر چند این شهر را امپراطور ژوستینین تعمیر نمود ولی باز به آبادی و شکوه سابق خود نرسید. در نتیجه جنگ‌های سوریه در قرن چهارم میلادی شهر ها خراب گردید و جنگ‌های زیتون بریده شد که آثار این خرابکاری ها را صد سال بعد از آن نیز میتوان دید. در نتیجه پیشرفت سپاه ایران تا قسطنطنیه آسیای صغیر نیز از این لشکر کشیها زیان دیده است. پس از آنکه امپراطور هرakلیوس زمام امور را بدست گرفت با همراهی اقوام خزر ساکنین حوالی سرحدات شمالی با ایران هجوم کرده و آن حوالی نیز دچار خرابی گردید. معاهده صلح نه تنها اراضی از دست رفته بیزانس را پس داد بلکه از قسمت شمالی بین النهرین نیز چند ولایت بدست ایشان افتاد.

این پیش آمدها سبب سقوط خسرو دوم (۶۲۸ م) و بروز بعضی اختلافات داخلی گردید. اما دولت بیزانس نیز در نتیجه جنگها ضعیف شده بود. از این بعد در کشورهای جدید متصرفه بیزانس معترضین عیسوی و یهودی ها و مجوسیها مورد تضییق و شکنجه قرار گرفتند که بالاخره همه ایشان با اعراب که با دولت بیزانس میانه خوشی نداشتند اتفاق کردند و هنوز امپراطور هرakلیوس زنده بود که بیزانسی ها با استثنای آسیای صغیر مجبوراً تمام ولایات بدست آمده را به اعراب پس دادند. و تنها در بعضی جاها مقاومت بخرج دادند مسلمین با نیروی چهار هزار نفری مظفرانه وارد مصر گردیدند. غلبه بر بین النهرین شمالی بدین شکل آسان فاتحین را نیز دچار حیرت نموده بود.

فتوحات مسلمین و نتایج آن از ابتدای قرن هفتم میلادی تا اواسط قرن

در عالم عیسویت نهم دوره تاریکی ادبیات بیزانس و دین

عیسوی شمرده میشود. سبب این انحطاط جنگهای پی در پی با ایرانیان و اعراب بوده و ظهور اختلافات مذهبی متعاقب این جنگها میباشد. از دست رفتن شرقی ترین ولایات نیز در منابع زندگانی بیزانس بدون تأثیر نمیباشد. سرحدات خلافت اسلامی کم کم بطرف آسیای صغیر فزاینده پیدا کرده و این شبه جزیره که در مدت شش قرن وطن استادان و هنرپیشه گانی مانند بنا کنندگان مسجدا یا صوفیه بوده چندین دفعه مورد حمله های سخت واقع شد. در اراضی داخلی سرحدات خلافت با اینکه بعضی اختلافات بظهور میرسید ولی بهتر از سایر نقاط بود.

مسلمین و عیسویان - اوضاع حال عیسویان تبعه مسلمین در آغاز کار بهترین و مساعدترین اوضاع حال ایشان در دیگر کشورها بود، از آنجائیکه عیسویان این دوره از نقطه نظر علمی و صنعتی بیشتر از اعراب پیشرفت کرده بودند. مسلمین در کارهای صنعتی محتاج ایشان بودند در قرون نخستین هجری در مصر و سوریه و بین النهرین اشخاص درجه اول علم و صنعت از سریانیها و یونانیها بمیدان آمده اند از این میان مخصوصاً یعقوب نام از شهر ادس (اورفا) - (۶۴۰ - ۷۰۸) از نقطه نظر مذهب یعقوبی موقعیت بزرگی دارد، سواحل فرات نیز موقعیت قدیمی خود را بدست آورده مجدداً یکی از مراکز تمدن دنیا گردید در این ناحیه غیر از مدارس عالی مذهبی عیسویان مدارس پیروان مذهب مانی و یهودیان نیز تأسیس گردید. دولت اسلامی که بواسطه اشاعه خود در قسمت مهم دنیا بترویج تجارت کمک بزرگی کرده بود ملل متبوعه اسلام بیش از مسلمین بانتشار مذهب خود از این راه میکوشیدند و فقیهات مذاهب عیسوی و یهودی در سواحل شمالی بحر خزر و قفقازیه و پیشرفت مذهب مانی و دین عیسوی در چین و مغولستان مربوط بدوره مسلمین میباشد اهمیت این دوره از نقطه نظر صنعت عیسوی بخوبی معلوم نیست. هم منقدر میدانم